

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۹ • ۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ • ۲۵ ژوئن ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۵۰ • ۱۲ صفحه + ۸ صفحه ویژه‌نامه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا



اجرای کنسرت برای گیاهان در سالن اپرا Gran Teatre del Liceu بارسلونا، اسپانیا. عکس: Nacho Doce-Reuters



یادداشت – قسمت اول

عبور از بر که تا کرانه

دوبال سازگاری

ژان پیازه سازگاری را شامل دو قسمت می‌داند؛ همگون‌سازی یا تغییردادن محیط برای مناسب‌ترکردن شرایط خود و همسازی یا تغییردادن خود برای سازش با محیط. شاید اولین قدمی که راه بشر امروز را از جانداران نزدیک به خود جدا کرد، تغییر در محیط اطراف بوده، داستان از سگی که به‌عنوان ابزار به کار

شکوفه موسوی*؛ بسیاری از انسان‌ها، وسوسه می‌شوند که مسائلی پیچیده درباره سیستم‌های بزرگ را با تجربیاتی که از سیستم‌های کوچک‌تر دارند، برای خود تبیین و برای دیگران بازگو کنند که البته حتما معایب خاص خود را دارد ولی شاید این حسن را داشته باشد که به سبب آشنایی، آن مفهوم ثقیل درک‌پذیرتر می‌شود؛ بنابراین من هم از این وسوسه در امان نمانده‌ام.



بنیاد نیکوکاری فرشته‌ها

حامی کودکان بیمار و کم‌توان

شماره مجوز ۹۶۴۸/۱۶۸/۹۵/۹۰۰

تحت نظارت سازمان بهزیستی کل کشور

www.fereshtehango.com

۰۲۱۹۱۳۱۱۲۰۰



گزارش تصویری این دو کودک را می‌توانید در صفحه اینستاگرامی

بنیاد نیکوکاری فرشته‌ها ملاحظه کنید. fereshteha.ngo

موج انتقادهای اصولگرایان نسبت به وضعیت فضای آنلاین در کشور، روند فزاینده‌ای پیدا کرده است. بخش عمده این انتقادها، مبتنی بر نگرانی‌های سیاسی و اخلاقی است. اما تحلیل کلان‌داده‌های فضای آنلاین نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته، دلوپسان فضای آنلاین در عین حال که هر از گاهی موج حملات تندی را به‌سوی دشمن فرضی‌ای به نام «فضای مجازی» روانه می‌کنند، به‌طور

پارادوکسیکالی عزمشان را نیز جزم کرده‌اند تا نفوذ هرچه بیشتری در فضای آنلاین پیدا کنند. برای مثال نتایج جدیدترین تحلیل‌هایی که روی کلان داده‌های توئیتر انجام داده‌ام، نشان می‌دهد که در یک سال گذشته، سهم اصولگرایان از صفحه‌های تأثیرگذار توئیتر ایرانی، از ۱۰ درصد به ۱۵ درصد افزایش پیدا کرده است. همان‌طور که در نمودار می‌بینیم، این افزایش سهم، به‌واسطه کاهش سهم اصلی‌ترین رقیب سیاسی‌شان رخ داده است. همچنین، در فاصله بهار ۹۸ تا بهار ۹۹، تعداد دنبال‌کنندگان صفحه‌های تأثیرگذار اصولگرا در توئیتر به‌طور میانگین ۵۹ درصد افزایش یافته است. این شاخص برای برانداختن ۲۶ درصد و برای اصلاح‌طلب‌ها ۲۲ درصد بوده است. قاعدا تا این حد از موفقیت، بدون برنامه‌ریزی‌های جدی برای نفوذ بیشتر در فضای آنلاین دست‌یافتنی نیست. چطور ممکن است جریانی که فضای آنلاین را خطرناک و پر از تهدیدهای گوناگون می‌داند و ظاهراً طرفدار محدودکردن آن است، به چنین موفقیتی در جذب مخاطبان فضای آنلاین دست یابد؟! به نظر می‌رسد که لاقال در لایه‌هایی از جریان اصولگرا، علاقه و شیفتگی زیادی نسبت به این رسانه‌های جدید وجود دارد. این علاقه گاهی چنان رو به افراط می‌گذارد که در بعضی از دعواهای سیاسی، با لشکری از اکانتهای تازه‌ساز مواجه می‌شویم که تلاش بی‌دریغی را برای ترندکردن هشتگ‌هایی خاص به‌کار می‌بندند و دست بر قضا نه‌تنها به‌لحاظ فکری بلکه از نظر نام کاربری و مشخصات پروفایلی نیز شباهت‌های زیادی به هم دارند! علاوه بر این، واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی موجود نیز از سه منظر می‌توانند اصولگرایان را با استدلال‌هایی پیامدگرایانه به‌سمت حمایت از فضای آنلاین ترغیب کنند. اول آنکه با وجود تنگناهای اقتصادی

فعالی و ناآرامی‌آرادی نهاد دولت در اشتغال‌رایی، در سال‌های اخیر، بخش قابل‌توجهی از جمعیت فعال اقتصادی کشورمان با استفاده از امکانات فضای آنلاین توانسته‌اند کسب‌وکارهای اینترنتی ایجاد کنند و به‌این‌ترتیب تا حدودی از شدت بحران بی‌کاری کاسته شده است. با توجه به شروع فعالیت مجلس یازدهم و نیز با توجه به پیش‌بینی‌های قریب‌الوقوع درباره گرایش سیاسی دولت بعدی، سهم جریان اصولگرایی از قدرت سیاسی بیش‌ازپیش خواهد شد و اصولگرایان ناچارند که به تناسب سهمی که از قدرت دارند، مسئولیت بحران‌های موجود را نیز بپذیرند. از آنجا که دسترسی آزاد به اینترنت می‌تواند کمالات جلوی بحرانی‌تر شدن مسئله بی‌کاری را بگیرد، حمایت اصولگرایان از محدودکردن فضای آنلاین، انتخابی عقلانی نیست؛ چراکه به تشدید بحران بی‌کاری منجر خواهد شد. نکته دوم آنکه فضای آنلاین برای بخش قابل‌توجهی از مردم ایران، کارکرد ایجاد تفریح و فراموشی موقت مشکلات متعدد زندگی را دارد. بنابراین از این نظر نیز به صلاح دلوپسان نیست که نسبت به پیامدهای ناخواسته محدودکردن اینترنت بی‌اعتنا باشند. سومین استدلال پیامدگرایانه نیز مربوط به نقشی است که فضای آنلاین در راستای مهار بحران کرونا ایفا کرد. تجربه این چند ماه اخیر به‌خوبی نشان داد که فضای آنلاین در مواجهه با بحران‌هایی مثل شیوع بیماری کرونا، می‌تواند چه نقش مهمی در آگاهی‌رسانی و کنترل مفید رفتارهای مردم بر عهده بگیرد. بر اساس شواهد و استدلال‌های فوق، انتظار می‌رود که اصولگرایان از تحولات اخیر فضای آنلاین ناراضی بوده و طرفدار حفظ سنگره‌های جنگ نرم باشند. اما چرا این‌طور نیست؟ به نظر می‌رسد که بخش مهمی از مخالفت‌ها، ریشه‌های سیاسی و انتخاباتی

سهم گرایش‌های سیاسی مختلف در بین صفحه‌های تأثیرگذار توئیتر ایرانی

موج انتقادهای اصولگرایان نسبت به وضعیت فضای آنلاین در کشور، روند فزاینده‌ای پیدا کرده است. بخش عمده این انتقادها، مبتنی بر نگرانی‌های سیاسی و اخلاقی است. اما تحلیل کلان‌داده‌های فضای آنلاین نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته، دلوپسان فضای آنلاین در عین حال که هر از گاهی موج حملات تندی را به‌سوی دشمن فرضی‌ای به نام «فضای مجازی» روانه می‌کنند، به‌طور

تکلیف و واقعه

خودمان نمی‌خریم، شما چه می‌کنید؟

علی ورامینی

و بدیهی‌ترین نیاز هر انسانی باشد، چشم از صفحه اول کتاب مبانی اقتصاد فراتر نبرده است. همان صفحه‌ای که آدام اسمیت، پدر معنوی طرفداران اقتصاد آزاد گفته است «دست‌های نامرئی بازار را در عدم دخالت دولت تنظیم می‌کنند». نه جناب وزیر مسئله به همان سادگی صفحه اول و دوم کتاب مبانی اقتصاد نیست و منطق عرضه و تقاضا را حتی دستفروش‌های مترو هم مفصل می‌دانند. آقای وزیر احتمالاً نمی‌دانند که حتی افراطی‌ترین دولت‌های دست‌راستی هم در مسئله مسکن ورود پیدا می‌کنند، مالیات خانه‌های خالی را چنان زیاد در نظر می‌گیرند که صاحب‌خانه مدتی قبل از تخلیه‌شدن خانه‌اش به فکر پیداکردن مستاجر بعدی می‌افتد تا مبادا یک روز هم خانه‌اش خالی بماند. جناب وزیر نویلیرال‌ترین دولت‌ها هم همه سیاستی در پیش می‌گیرند تا خانه را از یک کالای سرمایه‌ای و محل سرمایه‌گذاری به یک کالای ضروری-مصرفی تبدیل کنند. البته آن‌قدر ساده‌اندیش نیستیم که تمامی مشکلات عمیق مسکن ایران که ریشه در معضلات

فردی و خودسرانه و بدون ارجاع به مراجع قانونی انجام دهند، به اندازه کافی ترسناک هست. حتی اگر در مواردی زنان را خطاکار و مستحق مجازات بدانیم، باید بدانیم که این مجازات بهتر است توسط قوای عمومی و دستگاه قضائی کشور انجام شود نه اینکه هر پدر و همسر و برادری که احساس کرد حیثیتش لکهدار شده یا زنی که در خانواده‌اش زندگی می‌کند خلاف تعصبات رایج او عمل کرده، رأساً وارد عمل شود و مجازات را انجام دهد. با کمال تأسف ما هم در عرف‌مان چنین نگاهی را به مسئله زنان نداریم و هم در قوانین‌مان با چنین فقدانی مواجه هستیم. به‌نظم برای برون‌رفت از این مسئله اولین گام مهم تصویب حفاظ‌های قانونی است. چنانکه می‌بینیم ما هنوز مسائل ابتدایی مربوط به حمایت از زن‌ها را نه در زیرساخت‌های فرهنگی و عرفی جامعه داریم و نه در لایه‌های قانون. البته که فرهنگ‌سازی و آماده‌سازی جامعه در این زمینه خیلی اهمیت دارد و متأسفانه در جامعه خیلی کند و با کم‌کاری اتفاق می‌افتد. اما داشتن قوانین بازدارنده در گام نخست شاید بتواند جلوی بسیاری که اعمال مجازات‌های فردی در خانه و خانواده توسط مردان را بگیرد. همین که عده‌ای بداندند که با انجام کاری قانون با آنها برخورد می‌کند، یک گام خوشان را عقب می‌کشند یا در اعمال قدرت خودسرانه‌شان پا پس می‌کشند.

سلام به فردا

زن‌کشی زیرپوست جامعه



فریده غیرت

جامعه موجب می‌شود که دست مردان برای انجام آنچه مجازات زنان می‌دانند، باز باشد. به‌این‌ترتیب است که شنیدن خبرهای قتل یا آسیب‌زدن به زنان در نهاد خانواده و به‌دست اعضای ذکور خانواده کم‌وبیش خبری عادی است. قتل فجیع رومینا اشرفی شاید تلنگری برای جامعه بود که در زیر لایه‌های جامعه چه اتفاقاتی در حال رخ‌دادن است. پدران، همسران یا برادرهایی که خودشان را مالک دختران، همسران و خواهرانی می‌دانند برای آنچه به زعم‌شان دفاع از حیثیت می‌خوانند، دست به مجازات زنان می‌زنند. متأسفانه همچنان در همین نقطه ابتدایی قرار داریم که این نگاه درباره زنان وجود دارد و گروهی گمان می‌کنند زنان هیچ شخصیتی برای خودشان ندارند، صاحب اختیاری نیستند و مسئولیتی هم متوجه آنها نیست و این دیگران هستند که باید برای آنها تصمیم بگیرند یا برای آنها اعلام نظر کنند و حتی چند گام جلوتر بنا به تصمیم خودشان بدون اینکه کار به محکمه‌ای بکشد، مجازات تعیین کنند و آن را اجرا کنند. مجازات‌هایی که برخی به از دست‌رفتن جان زنان منجر می‌شود و مردان در پناه حفاظ قانونی که دارند، از دست‌زدن به آن ترسی ندارند. در ماجرای رومینا دقیقاً چنین مسئله‌ای رخ داد. حتی اگر در نظر بگیریم که رومینا جرمی مرتکب شده بود، اینکه دست مردان چنین باز باشد که مجازات را چنین

تحلیل

رابطه عشق و نفرت اصولگرایان با فضای آنلاین

ابوالفضل حاجی‌زادگان . پژوهشگر اجتماعی

داشته باشند. احتمالاً شکست‌خوردگان انتخابات در سال‌های ۹۶ تا ۹۶، دسترسی همگانی به اینترنت را علت اصلی ناکامی‌های سیاسی‌شان تلقی می‌کنند و تصور می‌کنند که با محدودکردن اینترنت، می‌توانند جلوی تکرار آن شکست‌ها را بگیرند. یکی دیگر از استدلال‌هایی که در دفاع از محدودکردن اینترنت مطرح می‌شود این است که فضای آنلاین باعث بروز مشکلات اخلاقی شده است. ممکن است افراد

مختلف بر اساس شهود و تجربیات شخصی خودشان با چنین ادعایی موافق یا مخالف باشند؛ اما شواهد تجربی مبتنی بر روش‌های علمی چنین ادعایی را رد می‌کنند. نشان به آن نشان که بر اساس یافته‌های اخیر داده‌کاوی‌هایم از وضعیت توئیتر در بهار سال ۹۹، از بین ۳۷۷ صفحه تأثیرگذار توئیتر ایرانی، تنها چهار صفحه (یعنی تنها یک درصد) محتواهای غیراخلاقی را منتشر می‌کنند. همچنین با وجود آنکه فضای اینستاگرام – در مقایسه با توئیتر – بیشتر مستعد انتشار محتواهای غیراخلاقی است، بر اساس کلان‌داده‌هایی که در تابستان سال گذشته مورد تحلیل قرار دادم، تنها ۱۰ درصد از صفحه‌های تأثیرگذار اینستاگرام ایرانی، محتواهای غیراخلاقی منتشر می‌کنند. مدافعان فیلترینگ اینترنت باید به این نکته توجه داشته باشند که هزینه‌های گوناگونی که به‌واسطه محدودکردن اینترنت به جامعه تحمیل خواهد شد. بسیار بیشتر از پیامدهای منفی انتشار حجم ناچیزی از محتواهای غیراخلاقی است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که یک‌سو، اشتیاق اصولگرایان برای افزایش مخاطب، در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی ذکر شده باعث تقویت رابطه بخشی از اصولگرایان با فضای آنلاین شده است و از طرفی دیگر، ملاحظات سیاسی باعث تقویت نگرانی‌های اصولگرایان در خصوص فضای آنلاین شده است و در نتیجه، این جریان سیاسی وارد یک رابطه شقی و نفرت با فضای آنلاین شده‌اند. این رابطه در درازمدت می‌تواند باعث سردرگمی‌های هرچه بیشتر در سیاست‌گذاری در حوزه فضای آنلاین شود. ازاین‌رو، لازم است که جریان اصولگرایی یک بار دیگر به‌طورجدی این رابطه را مورد بازبینی و بازاندیشی قرار دهد و با اتخاذ یک تصمیم عقلانی و قاطع، به این وضعیت تعلیق و پلاکتیکی پایان دهند.

بزرگ‌تر اقتصادداران، گردن وزیر فعلی اقتصاد بیندازیم. اما با همه اینها برای مردمی که حقوقشان ۲۰ درصد رشد پیدا کرده است و اجاره‌هایشان بیش از ۵۰ درصد سؤال است که دولت چرا در مسئله مسکن ورود پیدا نمی‌کند؟ چرا با وجود این همه کسری بودجه طرح مالیات بر خانه‌های خالی جز از شعار فراتر نمی‌رود؟ چرا چند دلال در یک منطقه آن‌قدر قدرت دارند که هر روز قیمت را تغییر دهند؟ مستاصل‌شدن نزدیک به ۴۰ درصد مردمی که اجاره‌شین هستند، بحران ملی نیست؟ به آقای وزیر باید گفت باشد، همان‌طور که خودمان به‌جای فیزیوتراپ مالیدید، خودمان هم نمی‌خریم؛ اما شما لاقال بگویید که چرا هیچ کاری نمی‌کنید؟ این‌روزها مدام حرف آن راننده تاکسی که پارسال همین اوقات به من گفت در سرم می‌چرخد. او بعد از برنامه رادیو درباره قیمت خانه (همان اوقات که حداقل ۴۰ درصد ارزان‌تر از امروز بود هم وزیر می‌گفت نخرید تا ارزان شود) گفت اگر ارار باشد که مملکت چنین اداره شود، من هم که می‌توانستم رئیس‌جمهور شوم.